

کارگران جهان متحد شوید!



اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

**انترناسیونال**

**هفتگی**

بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**سردبیر: فاتح بهرامی**

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

**۱۲۸**

۲۶ مهر ۱۳۸۱  
۱۸ اکتبر ۲۰۰۲

**جمعه ها منتشر میشود**  
**www.haftegi.com**

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## چوبه های دار را روی سرشان خراب کنیم!

زندان، شکنجه، اعدام  
دیگر اثر ندارد!

جمهوری اسلامی در آخرین روزهای حاکمیت منحوسش، سیاست اعدام، سنگسار، دست و پا بریدن و چشم درآوردن را تشدید کرده است. در دو هفته اخیر حمزه قادری، جلال شوقی، جلال باویزه ای و صالح گودرزی، زندانیان سیاسی و از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در شهرهای کردستان اعدام شدند. در سه روز گذشته دو نفر در سپیدار اهواز، که ۲۳ و ۲۶ سال سن داشتند در ملاء عام اعدام شدند. در زندان قصر ۵ نفر بنامهای مصطفی محمدی، رسول سلیم خانی، زهرا نظری، محمد علی و حسن یوسفی بنار آویخته شدند. روز ۱۷ مهر نیز در تهران علی برومند ۳۹ ساله و دل آقا براتی ۳۷ ساله، که از شهروندان افغانستانی بودند، اعدام شدند. ۵ نفر دیگر نیز در تهران محکوم به اعدام شده اند. به این کارنامه کثیف و سر از پا جنایت باید بریدن انگشتان دست دو نفر را در شهر همدان در ملاء عام، و دستگیری صدها نفر را در مهمانی ها اضافه کرد.

خود رژیم اسلامی میدانند و بخشی از حکومتیها هم به آن اعتراف میکنند که این سیاستها دردی از اینها دوا نمیکند. تماما از سر استیصال و بن بست همه جانبه است. از ۱۸ تیر مردم پیام "زندان، شکنجه، اعدام دیگر اثر ندارد" را کف دست اینها گذاشته اند. هدف این اعدامها سد کردن اعتراض رو به اوج مردم برای سرنگون کردن حکومت طالبانهای ایران است.

اما این سیاست رژیم اسلامی باید به قاطعانه ترین اشکال از طرف مردم پاسخ بگیرد. باید چوبه های دار را بر سرشان ویران کرد! باید شعار و مطالبه توقف فوری اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را به شعار اعتراضات و اجتماعات تبدیل کرد. اینها در بحران و تشتت دست و پا میزنند، باید پائین شان کشید، و بعنوان عاملین جرم و جنایت علیه مردم ایران به محاکمه شان کشید.

حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه را علیه رژیم نکبت و جنایت اسلامی و علیه سیاست شنیع اعدام به اعتراض گسترده و متحدانه فرا میخواند. در خارج کشور همه مردم آزادیخواه را فرامیخوانیم در میتینگ ها و تظاهراتهای اعتراضی ما علیه اعدام ها شرکت کنند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
(۲۵ مهر ۱۳۸۱ - ۱۷ اکتبر ۲۰۰۲)

## علیه اعدام، متحدانه و قدرتمند به میدان بیاییم!



در دو هفته گذشته بیش از ۱۰ نفر اعدام و سنگسار شدند و شایع است که بیشتر از این در نوبت اعدام هستند.

### مردم آزادیخواه

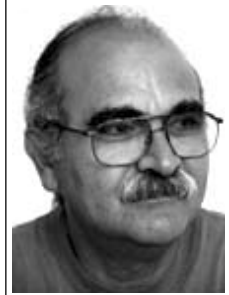
اعدام و دستگیریها باید به نیروی ما در هم شکسته شود. نباید اجازه دهیم رژیم اسلامی در آخرین دوره حیات خود قربانی بیشتری بگیرد. علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی به خیابانها بیایید و در حرکتها اعتراضی ما شرکت کنید.

**کانادا** ۱۹ اکتبر اتاوا - **آلمان** ۱۹ اکتبر برلین  
**سوئد** ۱۹ اکتبر استکهلم، یوتبری، مالمو، بورو، هلسینبورگ، بودن  
**نروژ** ۱۹ اکتبر اسلو - **انگلیس** ۱۹ اکتبر لندن

## جنبش سرنگونی و بحران حکومتی جمهوری اسلامی

۳ - جنبش سرنگونی طلبانه مردم  
در مرکز سیاست ایران

صفحه ۲



**ما پرچم برچیدن جمهوری  
اسلامی را در دست گرفته ایم**

صفحه ۴

**"محاکمه" کنندگان  
تسلیمه نسرين محكوم اند**

صفحه ۴

## به بهانه مبارزه با آمریکا

## اسلامیها را به خیابانهای اروپا نکشید!

اصغر کریمی



تا نارضایتی شان را علیه آدمکشی و بمباران مردم بی دفاع جهان اعتراضات گسترده ای علیه سیاست جنگ طلبانه و میلیتاریستی دولت آمریکا و ناتو شکل گرفته است.

اما در این میان، جریانات اسلامی مرتجع و زن ستیزی که بعضا رسما از طالبان و حکومتها و گروههای تروریست اسلامی

صفحه ۳

از سپتامبر سال قبل در شهرهای مختلف اروپا و در چهارگوشه جهان اعتراضات گسترده ای علیه سیاست جنگ طلبانه و میلیتاریستی دولت آمریکا و ناتو شکل گرفته است. صدها هزار مردم شریف و انساندوست، مردمی که خواهان یک زندگی بهتر، عادلانه تر، انسانی تر و آزادتر برای کل بشریت هستند به خیابانها میایند

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جنبش سرنگونی و بحران حکومتی جمهوری اسلامی

### ۳- جنبش سرنگونی طلبانه مردم در مرکز سیاست ایران

#### حمید تقوائی

و شرایط فلاکت‌ناشی از آن ندارد. این ناتوانی رژیم خود در ویژگی جمهوری اسلامی بعنوان یک حکومت نامتعارف بورژوازی که با وظیفه خاص سرکوب انقلاب روی کار آمده است ریشه دارد. جمهوری اسلامی یک رژیم مبتنی بر جنبش ملی-مذهبی ضدشاهی بود که بخاطر همین خصوصیتش از جانب آمریکا و سران غربی، و بعد از آنکه برایشان روشن شد دیگر شاه قادر به کنترل انقلاب نیست، بجلوی صحنه رانده شد تا بورژوازی را از چنگال انقلاب چپگرایی نجات دهد. جمهوری اسلامی این وظیفه را بانجام رساند، اما همان خصوصیات ایدئولوژیک-سیاسی که رژیم را برای ایفای این نقش مناسب و کارآمد میکرد، مانع از آن بود که بتواند اقتصاد سرمایه داری را در ایران پراهن بیانندازد و تولید و باز تولید سرمایه را سازمان دهد. جمهوری اسلامی بخاطر ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی اش قادر به حل بحران اقتصادی و رفع عوارض خانمان برانداز آن برای مردم نبود و این حقیقت وقتی بروشنی در برابر چشمان مردم قرار گرفت که "نعمت" جنگ با عراق و پوشش و توجیهی که جنگ در اختیار رژیم قرار میداد خاتمه یافت و بدنبال آن "دوران سازندگی" پس از جنگ و مجاهدات اقتصادی رفسنجانی نیز پوچی و بیحاصلی خود را بر همگان نشان داد.

یکی از نتایج سیاسی این وضعیت شکل گیری این ادراک عمومی در جامعه بود که نفس وجود رژیم ریشه و علت اساسی مصایب مردم است و به این معنا هر مشکل و مساله اقتصادی و حتی فرهنگی و اجتماعی مستقیماً به وجود جمهوری اسلامی گره میخورد. انتظارات و توقعات عمومی از دوران پس از جنگ به سرعت نقش بر آب شد و جای خود را به خشم و اعتراض داد، و نفرت و خشم فروخته زنان و کارگران و جوانان نسبت به توحش و اختناق مذهبی که رژیم در تمام دوره جنگ بر جامعه حاکم کرده بود، فضایی برای بروز پیدا کرد. شورش های وسیع و پی در پی شهری که در اواخر دوره رفسنجانی رخ میداد بازتاب مستقیم این واقعیت بود.

از سوی دیگر همزمان با به بن بست رسیدن نسخه های اقتصادی رژیم و بالا گرفتن اعتراضات توده ای محور بحث ها و سیاست گذاریها و جناح بندیهای درون حکومت از مسایلی نظیر "پان اسلامیسیم و صدور انقلاب" و "اقتصاد دولتی و یا بازار" به "نحوه مقابله با جنبش مردم" تغییر مییافت و مساله بقا و حفظ نظام بیش از پیش به مساله محوری رژیم تبدیل میشد. جنبش سرنگونی با برعصه سیاست ایران میکناشت.

در جامعه وجود دارد که بسادگی قابل مشاهده است و هر توریست و خبرنگاری با یک روز گشت در هر شهری از ایران به وجود آن گواهی میدهد. این فرهنگ اعتراض، دقیقاً به این خاطر که در برابر یک رژیم بغایت عقب مانده و مذهبی شکل گرفته است، فرهنگی مدرن و سکولار است. از این نظر فرهنگ جنبش سرنگونی درست در نقطه مقابل فرهنگ شرق زده و اسلام زده ضد شاهی دهه های چهل و پنجاه در ایران قرار دارد. فرهنگ ارتجاعی که با بقلرت رسیدن جمهوری اسلامی به فرهنگ رسمی حکومت، و طیف طرفدار بخش دوخردادی آن، تبدیل شد و مدرنیسم و سکولاریسم را به صف اپوزیسیون راند. اما این تنها یک واقعیت سیاسی و محدود به صحنه مبارزه میان مردم و رژیم نیست. نفس یک زندگی انسانی و آموزشی و بدور از نفوذ و سلطه سیاه مذهبی خود یک خواست عمومی مردم و بویژه جوانانی است که خصوصیات و ملزومات زندگی در آغاز قرن بیست و یک را میشناسند و خواهان آنند. نفس زندگی به شیوه انسان امروز جمهوری اسلامی را به مصاف میطلبد و این یکی علت اصلی وسعت و عمق جنبش سرنگونی در جامعه است.

#### جنبش سرنگونی

##### در مرکز سیاست ایران

با شکل گیری جنبش سرنگونی فضای سیاسی در ایران کلاً تغییر کرد. ابتکار عمل، بر خلاف دوره های قبل دیگر در دست رژیم نبود، بلکه بدست مردم معترض افتاده بود و پاسخ به جنبش اعتراضی مردم، تلاش برای پیشگیری و کنترل و تحریف آن، سرکوب آن و کنترل و محدود کردن عوارض آن، محور سیاستهای رژیم را تشکیل میداد. جناح‌بندیهای گذشته حول "مکتب یا تخصص" و "پان اسلامیسیم یا لیبرالیسم" و "اقتصاد دولتی یا بازار" به هم ریخت و جناح بندی تازه ای اساساً حول شیوه مقابله با جنبش سرنگونی شکل گرفت. بخشی از مهره ها و سردمداران رژیم که اغلبشان در دوره خمینی و رفسنجانی از عاملین مستقیم اختناق و سرکوب بودند، به این نتیجه رسیدند که با سرکوب آشکار نمیتوان با مردم مقابله کرد و در مقابل خط سرکوب جناح راست، علم "اصلاح طلبی" را بلند کردند.

در انتخابات ۱۳۷۶ که به روی کار آمدن خاتمی منجر شد، و هر انتخاباتی که پس از آن به صحنه آورده شد، کل انتخابات از ترکیب لیستهای انتخاباتی تا نحوه تبلیغات کاندیداها و ساخت و پاختهای پشت پرده و تا تعداد آرا و نتیجه انتخابات همه مهر جنبش سرنگونی را بر خود داشت. اگر خطر جنبش اعتراضی مردم بر بالای سر رژیم آویزان نبود کل این بازیهای انتخاباتی اساساً شکل دیگری به خود میگرفت و اصولاً دو خرداد و جنبش

دو خرداد ضرورت وجودی پیدا نمیکرد. هنوز هم اگر فشار جنبش سرنگونی طلبانه مردم و خطر انقلابی که این جنبش در مقابل بالاترینها قرار میدهد را از روی دو خردادها بردارید، مثل فنر رها شده بسرعت به مواضع سیاسی و مناصب دولتی گذشته شان رجعت میکنند. اگر فشار این جنبش نبود گنجی و سایر پاسدار-ولترهای وطنی همچنان در وزارت اطلاعات و وزارت ارشاد و سپاه پاسداران سر پستهایشان بودند و داشتند کماکان هر کسی که دم از آزادی و رهایی از نکتب جمهوری اسلامی میزد را قلع و قمع میکردند.

از شروع "حماسه دو خرداد" تا امروز که باستقبال تشییع جنازه آن میرویم هر مانور و عقب نشینی و پیروزی جناحها در مقابل یکدیگر بازتاب مستقیم و غیر مستقیم جنبش سرنگونی و خطر این جنبش در میان حکومتیان بوده است.

#### دوستان مردم گیانند

برخورد به جنبش سرنگونی شاخص مهمی در ارزیابی جنبش ها و احزاب و نیروهای سیاسی در عرصه سیاست ایران بدست میدهد. سوال اساسی اینست که هر حزب و نیروی چه برخورد و موضعی در قبال جنبش سرنگونی طلبانه مردم دارد؟ در برابر آنست و یا درکنار آن؟ خواستار رشد و تقویت آنست و یا کنترل و محدود کردن آن؟ و از سوی دیگر جنبش سرنگونی طلبانه مردم در سیاستها و اهداف آن حزب و نیروی سیاسی بطور عینی چه جایگاهی دارد و چه نقشی ایفا میکند؟ پاسخ به این سئوالات بیش از هر عامل دیگر روشنگر نقش و جایگاه سیاسی احزاب و نیروها در صحنه سیاست ایران درچند ساله اخیر است. بویژه امروز که بحران حکومتی شدت گرفته و مساله قدرت سیاسی در جامعه باز شده است، برخورد به جنبش سرنگونی طلبانه مردم که عامل اصلی در ایجاد وضعیت بوده است شناخت اهداف و تعیین کننده ای در شناخت اهداف و شخصیتهای واقعی احزاب و نیروها و شخصیتهای سیاسی محسوب میشود. سوال اصلی امروز اینست: دوستان مردم کیانند؟ این سوالی است که نه تنها در ایران امروز، بلکه عموماً در هر شرایط انقلابی، یعنی شرایطی که سیاست به خیابانها کشیده میشود و قدرت سیاسی در خیابان تعیین تکلیف میشود، در برابر جامعه و بویژه طبقات و اقشاری که نیروی محرکه انقلاب را تشکیل میدهند، قرار میگردد. بعنوان نمونه در انقلاب ۵۷ شاخص ماهیت سیاسی خمینی و جنبش ملی اسلامی حامی او نه ضدیت آنها با شاه و یا آمریکا، بلکه موضع آنها در قبال جنبش انقلابی مردم و خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان بود. بر



مبنای این معیار بود که ماهیت ارتجاعی خمینی و رژیم ضد انقلابی او بسرعت برملا گشت و بر همه مردم معلوم شد. امروز هم باید با همین معیار بسراغ احزاب و نیروهای اپوزیسیون رفت.

سه جنبش سیاسی و اجتماعی در جامعه امروز ایران، جنبش ناسیونالیسم پرو غرب که طیف نیروهای سلطنت طلب (با و یا بدون شاه) آنرا نمایندگی میکنند، جنبش ملی-مذهبی که بروز آن در چندساله اخیر به شکل نیروهای ۲ خرداد در و بیرون از حکومت بوده است و بالاخره جنبش کمونیسم کارگری که حزب ما نماینده آنست.

جنبش دو خرداد همانطور که قبلا توضیح داده شد جنبش مقابله با مبارزات سرنگونی طلبانه مردم به شیوه تحریف و کنترل این مبارزات بوده است. امروز این جنبش بهرجهت جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است، و با اوگیری مبارزات مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی بکلی از صحنه سیاست ایران جارو خواهد شد.

سلطنت طلبان و نیروهای ناسیونالیست پروفرب، خواهان براندازی رژیم جمهوری اسلامی اساسا از بالا و مشخصا به کمک آمریکا و غرب هستند. اینها میخواهند رژیمی نظیر رژیم سلطنتی سابق را دوباره در ایران احیا کنند و در واقع گذشته را به مردم وعده میدهند. مشغله و مسأله این نیروها، مسأله نظیر "تمامیت ارضی ایران" و "احیای پرچم سه رنگ و شیر و خورشید" و یا "بازگرداندن سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی به ایران" در واقع بیشتر بیانگر نوستالژی ناسیونالیسم از تخت افتاده است و کوچکترین ربطی به خواسته های واقعی مردم سرنگونی طلب ایران ندارد. جنبش سرنگونی تا آنجا در استراتژی این نیروها بحساب میآید که بتوان از آن بعنوان اهرم فشار و یا عاملی برای حل

و فصل مسأله قدرت در بالا و متقاعد ساختن آمریکا و غرب به جایگزینی جمهوری اسلامی با نیروهای سلطنت طلب استفاده کرد. تاکتیکیا موضوع اینها در قبال جنبش سرنگونی، تلاششان برای محدود کردن مبارزات مردم در سطح نافرمانی مدنی، طرح شعار فراتنوم، و یا برحز داشتن مردم معترض از "خشونت"، همه ناظر بر این هدف است. سلطنت طلبان مخالف جمهوری اسلامی اند اما در صف جنبش سرنگونی طلبانه مردم قرار ندارند.

### حزب کمونیست کارگری

#### و جنبش سرنگونی

نیروی پیشرو و نماینده جنبش سرنگونی طلبانه مردم حزب کمونیست کارگری است. ما به جریان و جنبش سیاسی ای متعلق هستیم که پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی را قبل از شکل گیری جنبش سرنگونی طلبانه مردم بر افراشت. ما با استقبال جنبش سرنگونی رفتیم و به حمایتش برخاستیم. برنامه حزب ما از همان زمان اولین انتشارش در سال ۵۸ پرچم خواسته های رفاهی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده مردم و کارگران و زنان و جوانانی بوده است که امروز نیروی محرکه جنبش سرنگونی را تشکیل میدهند. برخی از مفاد این برنامه، جدائی مذهب از دولت، برابری کامل زن و مرد و آزادیهای بدون قید و شرط قلم و بیان امروز به خواست عمومی جامعه تبدیل شده است. حزب ما در مبارزات کپیین های بیوقفه اش، در حمایت از کارگران و اعتراضات و مبارزات کارگری، در مقابله با سنگسار و حجاب اجباری و آپارتاید جنسی، در مبارزه برای جدائی مذهب از دولت و مذهب زدائی از جامعه در ایران، و علیه اسلام سیاسی در یک سطح جهانی، نماینده و بلندگو و رهبر جنبش اعتراضی مردم علیه جمهوری اسلامی است.

ما کمونیستهای هستیم که برای امحای نظام سرمایه داری مبارزه میکنیم و سرنگونی جمهوری اسلامی اولین هدف ماست. ما میگوئیم جمهوری اسلامی وحشی ترین و عقب مانده ترین حکومت سرمایه در ایران است، باید آخرین آن نیز باشد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت مردم هدف فوری و مستقیم ماست، و ازاینرو متشکل ساختن، متحد کردن و ارتقا دادن مبارزه کارگران و زنان و جوانانی که برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی بمیدان آمده اند همواره بخش تعطیل ناپذیری از مبارزه حزب ما بوده است. تاامین رهبری حزب کمونیست کارگری بر جنبش سرنگونی تنها تضمین پیروزی واقعی مردم و رهائی آنان از نکت جمهوری اسلامی و نظام استثمارگری است که این رژیم نمایندگی میکند.

از صفحه ۱

## به بهانه مبارزه

آزاداندیشی، به جرم سوسیالیست بودن، به جرم زن بودن، به جرم یهودی بودن، به جرم اعتصاب و اعتراض به خاک و خون کشیده اند. اطلاق نماینده مردم به اینها توهین بزرگی به صدها میلیون انسانی است که شجاعانه در تلاشند تا خود را از شر دار و دسته ها و حکومت های اسلامی و مستبد خلاص کنند. صرف شعار دادن علیه آمریکا نشانه هیچگونه ترقی خواهی نیست. خمینی و بن لادن و ملاعمر و صدام و رهبران حماس و المهاجرون هم با آمریکا درافتادند. معیار آزادیخواهی دفاع صریح و روشن از مطالبات آزادیخواهانه، سکولاریستی، برابری طلبانه و مطالبات رفاهی مردم منطقه است. معیار آزادیخواهی قذعلم کردن در مقابل تروریسم دولت آمریکا و ناتو و همزمان پیوستن به مبارزه میلیونها زن و مرد آزادیخواه در منطقه برای خلاص شدن از شر حکومتها و دار و دسته های اسلامی و آدمکش است.

در خاور میانه جنگی گسترده و تمام عیار در جریان است. بشریت متلمن نمیتواند جنگ طلبی آمریکا را ببیند و از کنار این جنگ عظیم و توده ای بی تفاوت بگذرد. جنگی که در یکطرفش جریانات اسلامی مرتجع، آدمکش، زن ستیز و ضدآزادی و در طرف دیگر آن صدها میلیون زن و مرد آزادیخواه، یک جنبش سکولاریستی قدرتمند و یک جنبش وسیع توده ای برای رفاه و برابری و یک زندگی مدرن صف کشیده اند. در یکطرفش حکومتهای دست راستی مشتی مستبد و جنایتکار مانند خامنه ای و خاتمی و صدام و مشرف و شیوخ مرتجع عرب بعنوان کثیف ترین و مرتجع ترین نمایندگان نظام سرمایه داری که اتفاقا همیشه مورد حمایت دول مرتجع غرب بویژه آمریکا بوده اند و در طرف دیگرش صدها میلیون انسان محروم و آزادیخواه قرار گرفته اند. مردم نه صدام را میخواهند نه بمبهای آمریکا و ناتو را. نه گروهها

و دولتهای اسلامی آدمکش را میخواهند و نه محاصره اقتصادی کودکان و مردم محروم عراق را. نه بمب های هوایی ناتو را میخواهند و نه تروریستهای اسلامی بمب گذار را و نه اعدام و سنگسار و حجاب اجباری و زندان و شکنجه را. کسی که در اروپا و آمریکا گروههای مرتجع اسلامی را به خیابانها میکشاند و رهبران این گروهها و امامان مساجد اسلامی را به سخنرانی دعوت میکند، رسما و بدون اما و اگر به کمپ ارتجاع تعلق دارد. دارد صف اسلام سیاسی را علیه آزادیخواهان و سکولارها و جنبش رهایی زن تقویت میکند و از طرفی با چهره اسلامی دادن به جنبش ضدجنگ میاندازد و رغبت انسانهای شریف را برای شرکت در آن از بین میبرد. و این بزرگترین خدمت به سیاستهای بوش و بلر است. آزادیخواهی حکم میکند که بشریت متمتن در اعتراضات ضدجنگ پرچم آزادیخواهی و سکولاریسم و حقوق و آزادیهای سیاسی مردم منطقه را بلند کند و اسلام سیاسی و حامیان آنرا طرد و منزوی کند. معیار آزادیخواهی دفاع صریح و روشن از مطالبات آزادیخواهانه، سکولاریستی، برابری طلبانه و مطالبات رفاهی مردم منطقه است. این در عین حال کمک بزرگی به قدرتگیری جنبش ضدجنگ نیز هست. هرچه جریانات آزادیخواه و سوسیالیست و انساندوست دست بالاتری در این اعتراضات پیدا کنند، چهره این جنبش حق طلبانه تر و انسانی تر خواهد شد و از حمایت و پشتیبانی صدها میلیون انسان سرکوب شده توسط اسلام سیاسی در منطقه نیز برخوردار خواهد گردید.

قلدری دولتهای آمریکا و انگلیس و سایر شرکایشان را باید قاطعانه محکوم کرد اما در جنبش ضدجنگ مطلقا نباید به جریانات مرتجع اسلامی و عقب مانده امکان عرض اندام داد.

## از صفحه ۴ ما پرچم برچیدن جمهوری

کنیم. همچنین با توطئه جمهوری اسلامی جهت کنترل مردم به یاری حزب دمکرات و مقابله با مبارزات مردم و فضای رادیکال جامعه و غیره تحت عنوان "مذاکره"، در واقع سازش و بند و بست، مقابله کنیم و این طرح را خنثی کنیم. مورد دیگر پروژه ارتجاعی ناسیونالیستی - اسلامی تحت عنوان پروژه فرهنگی را به تمام معنا و در همه ابعاد رسوا و افشا و منزوی کنیم. علاوه بر اینها در عرصه های مختلف اقدامات لازم را در دستور گذاشتیم. از جمله :

- تلاش برای ایجاد تشکلهای تودهای با سیاستهای حزب. - تلاش برای ایجاد تشکلهای اجتماعی - بکارگیری موثرتر ابزارهای تبلیغی، مثل رادیو و ادبیات و نشریات و تلاش برای راهاندازی برنامه تلویزیونی اینها اهم اقدامات مورد نظر هستند. ■

## رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۸ تا ۸:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

## برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"

سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب بوقت تهران

## "محاكمه" كندگان تسليمه نسرین محكوم اند آزادی بی مذهبی و نقد مذهب حق جهانشمول هر انسان دنیای امروز

### فاتح شیخ الاسلامی

ای که در آن هنوز ارتجاع اسلامی فعال است و هنوز دست اسلام از دولت و دادگاه و از زندگی مردم کوتاه نشده است. سال ۱۹۹۴ وقتی یک خبرنگار تلویزیون بی بی سی در بنگلادش از او پرسید: آیا تو به اسلام حمله میکنی؟ تسلیمه نسرین در جواب گفت: بله مستقیماً. بله، جرم او همین جسارت مدنی و آزادیخواهانه در برابر اسلام است. اگر تسلیمه نسرین طی هفت هشت

سال اخیر در سطح جهان مشهور شده است بخاطر اینست که یک انسان آزادیخواه، یک مدافع حقوق زن در آن جامعه اسلام زده است. حرفه اش پزشکی، ابزار مبارزه اش نوشتن، او علیه سرکوب شنیع، تحقیر دائم و مشقات خارج از شماری که روزمره بر زنان محیط زندگی اش تحمیل میشود، پیا خاست و جسورانه علیه اسلام و قرآن و احکام و قوانین و سنن و شریعت حاکم بر جامعه ایستاد. اما او بیشتر از یک پزشک و یک نویسنده است. جهان متدین در دفاع از سلمان رشدی، در دفاع از آزادی بیان و حق حیات او در مقابل تهدیدات و تعرضات اسلامی هرچه کرد باز هم کم کرد. کوتاهی کرد. بسیار بیشتر و قاطعانه تر از آن ضرورت داشت و دارد. اما کیس تسلیمه نسرین حتی با سلمان رشدی فرق دارد. دفاع از تسلیمه نسرین فقط دفاع از آزادی بیان و حق حیات یک نویسنده نیست. او بیشتر از یک نویسنده مستقیماً یک مبارز رهایی زن، رهایی جامعه از کثافات قرون و اعصار مذهب، رهایی از اسلام بعنوان یک کانون عفونی مذهب فعال در دوران ما و در بخش مهمی از جهان است.

دفاع از تسلیمه نسرین، سلمان رشدی و هر مورد مشابه، باید روشن و قاطع از آزادی بی مذهبی و از آزادی نقد مذهب، بعنوان حقوق جهانشمول هر انسان در هر جای دنیا که باشد دفاع کرد. هم اکنون در پاکستان پزشک دیگری به نام یونس شیخ محکوم به مرگ، در زندان و در خطر اعدام است به این "جرم" که گویا در مقابل این حکم که از نظر اسلام کسی که مسلمان نیست نجس است، به طنز گفته است: محمد هم تا چهل سالگی مسلمان نبود (توجه کنید که ۵۴

این روزها شخصی به نام شاه علم، قاضی دادگاه شهر گمنامی در بنگلادش بر اساس شکایت آخوند مکتب داری به نام دبیرالدین، تسلیمه نسرین را به "جرم" اهانت به اسلام و "جریحه دار" کردن احساسات دینی "مردم" غیباً به زندان محکوم کرده است. تسلیمه نسرین در اروپاست. دولت و جریانات اسلامی چند سال پیش او را مجبور به فرار از بنگلادش کردند. "مقامات قضائی" بنگلادش گفته اند که تسلیمه اگر فرجام بخواهد باید برگردد و خود را تسلیم آن مقامات کند! همه اجزاء این خبر نفرت انگیز و مسخره است. او مجرم نیست، دولت و نهادها و جریانات اسلامی سرکوب کننده او مجرم اند. قاضی شاه علم و آخوند دبیرالدین مجرم اند. او یک فریاد آزادیخواهی و برابری طلبی است. جامعه بشری، بشریت متدین باید محاکمه کندگانش را محکوم کند. او جرمی ندارد جز اینکه علیه جرائمی برخاسته که در بنگلادش اسلامزده و کشورهای مشابه، هر روز میلیونها و صدها میلیون بار علیه نیمه (بیشتر) جامعه یعنی زنان و علیه همه کودکان اعمال میشود. برای ایجاد کوچکترین بهبود در زندگی اکثریت عظیم مردم آن بخش جهان که احکام خونین اسلام هنوز در آن جاری است، تسلیمه نسرین و امثال او چاره ای ندارند جز اینکه به ساحت اسلام تعرض کنند و البته احساسات امثال قاضی شاه علم و آخوند دبیرالدین را هم جریحه دار کنند. این یک جزء ضروری هر مبارزه رادیکال است.

جرم تسلیمه اینست که تسلیم نسرین نشد که با گذاشتن این اسم اسلامی بر او، خواسته بودند بعنوان یک دختر برایش رقم بزنند. او سرنوشت خود را عوض کرد، تسلیم اسلام نشد، بلکه وقتی بعنوان یک انسان دنیای امروز، اسلام را در برابر خود دید، از آن برید و خود را آزاد کرد. فراتر از آن، بعنوان یک انسان آزادیخواه و مدافع حقوق زن جسورانه به اسلام حمله کرد، به نقد آن برخاست و به یکی از سخنگویان بخش مدرن جامعه بدل شد، جامعه

## ما پرچم برچیدن جمهوری اسلامی را در دست گرفته ایم

مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده  
حول مباحث نشست سیزدهم کمیته کردستان حزب



**سیاوش دانشور:** در روزهای سیزدهم و چهاردهم مهر ماه نشست سیزدهم کمیته کردستان حزب را برگزار کردید. دستور جلسات چه بود؟ چه مسائل و موضوعاتی مورد بررسی قرار گرفتند؟

**رحمان حسین زاده:** در مورد موضوعات با اهمیت و مختلفی بحث و تصمیم گیری شد. بعد از رسمیت جلسه، از جانب دبیر کمیته کردستان طی سخنان کوتاهی و با تقسیم دستهای گل به عبدالله دارابی از ابتکار حضور وی در شهر میروان قدرانی شد. بعداً سخنرانی کورش مدرسی رئیس دفتر سیاسی حزب را داشتیم، که بر اهمیت فعالیتهای دوره گذشته کمیته کردستان تاکید کردند و محورهای مهمی از وظایف دوره آتی کمیته کردستان را یادآور شدند. سپس گزارش فعالیتهای دوره گذشته کمیته کردستان از جانب دبیر کمیته و مسئولین عرصهها ارائه شد. بعداً موضوع مهم "مولفهای جدید اوضاع سیاسی و پلانفرم کار دوره آتی" طرح شد. در مورد عرصه نظامی و چگونگی تقویت و گسترش پتانسیل ابزار وجود نظامی حزب و تداوم حضور علنی رهبران حزب در میان مردم بحث و تصمیم گرفتیم. در میبحث بررسی فعالیت تشکیلات شهرهای حزب، بر جایگاه مهم فعالیت موثر و آکتیویسم این تشکیلات تاکید شد و راههای سوق دادن هرچه موثرتر دخالت حزب در اعتراضات و مبارزات جاری و گسترش تشکیلات حزب بررسی شد. در مورد امکانساز مالی بسیار گستردهتر برای جوابگویی به نیازهای فعالیتی کمیته کردستان تصمیمات لازم را گرفتیم. و در خاتمه نشست کمیته کردستان دبیر کمیته و خزانهدار و هیئت اجرایی ۱۳ نفره را انتخاب کرد.

**سیاوش دانشور:** از میان این موضوعات به بحث مولفهای جدید اوضاع سیاسی برگردیم. چه نکاتی را مد نظر داشتید، چه تغییراتی ایجاد شده و چه جهتی را در پیش گرفتید؟

**رحمان حسین زاده:** چند جنبه را بررسی کردیم. ابتدا نگاهی بود به اوضاع سیاسی ایران و موقعیت به شدت شکننده جمهوری اسلامی و آن فاکتورها و نمودهایی که فزایشی جمهوری اسلامی را تسریع میکند. اساساً فشار مبارزه مردم بر رژیم و به تاثیر از آن حاد شدن کشمکشهای درونی جمهوری اسلامی، این حکومت را به لبه پرتگاه سوق داده است. بازتاب این وضعیت را



سال پیش هنگامی که در جریان استقلال هند، سرنوشت بخش های مسلمان نشین آن توسط جریان اسلامی محمدعلی جناح از بقیه شبه قاره هند جدا شد نام کشور "پاکستان" صراحتاً به همین معنی که مسلمانان پاک و غیرمسلمانان نجس هستند انتخاب شد. آزادیخواه دیگری در مصر به نام صلاح الدین محسن به "جرم" اینکه اسلام را عامل عقب ماندگی جامعه معرفی کرده است به سه سال زندان با کار محکوم شده است و هم اکنون در زندان بسر میبرد.

بلون آزادی بی مذهبی، بدون آزادی نقد مذهب، بدون آزادی کفرگویی، بدون اینکه بشر مجاز باشد هرچه بخواهد بگوید، بنویسد، به نمایش هنری در آورد و هیچ مقدسات مذهبی و ملی و غیره ای مانع آزادی بیان و اندیشه و نقدش نشود، نمیتوان گفت که بشریت از قرون وسطی بریده است. این تناقض که در بخش های پیشرفته تر جهان در اروپا و غرب، چنین آزادیهایی از دهها سال پیش تثبیت شده اند ولی در جهان تحت سلطه اسلام هنوز بخاطر گشتن یک جمله ضد مذهبی، ارتجاع اسلامی و دولتها جان انسانها را میکینند یا دست کم به روال دوران انکیزیسیون آنها را به زندان می اندازند، فقط اثبات این حکم است که بشریت آزادیخواه باید برای کوتاه کردن مذهب از زندگی مردم بطور عاجل و ریشه ای و گسترده و همه جانبه وارد مصاف شود. این ننگ توحش باید هرچه زودتر در سراسر کره زمین از چهره بشریت متمن زوده شود. آزادی بی مذهبی و آزادی نقد مذهب در کنار آزادی داشتن هر نوع عقیده مذهبی و غیرمذهبی جزء حقوق جهانشمول انسان در سراسر جهان است. اینست پیام مدافعان رادیکال تسلیمه نسرین ها، یونس شیخ ها، صلاح الدین محسن ها و میلیونها انسانی که میخواهند از زنجیر اسلام، از بردگی و انقیاد فکری، روحی و جسمی مذهب رها شوند. ■

در کردستان بررسی کردیم و فکر میکنیم بندهای رژیم به شدت شلتر شده است. تعرض اخیر مردم در شهر مهاباد به دم و دستگاه نظامی و انتظامی و اداری رژیم و اتفاق مهم شورش در زنان مهاباد، حضور عبدالله دارابی و میتینگ و اجتماع علنی مردم شهر میروان، که عملاً نقص حاکمیت رژیم بود، در مقابل این وضعیت، نگرانیهای جمهوری اسلامی و آمادهاشهای نظامی و هارت و پورت رجم صفوی را در سنجش شاهد بودیم. در همین بطن موضوع "مناکره" جمهوری اسلامی و حزب دمکرات و تلاش برای بند و بست مطرح شد. به نظر در کردستان به شرایطی یا میگزاریم، که احتمال دارد، جمهوری اسلامی کنترل اوضاع را سریعتر از سراسر ایران از دست بدهد. پروسه برچیدن رژیم میتواند شروع شود. احزاب سیاسی در اینجا مستقیماً بر تناسب قوا تاثیر میگازند. همین مورد حضور علنی حزب کمونیست کارگری در میروان علاوه بر بسیاری جنبهها با اهمیت آن، به سهم خود منجر به تغییر روحیه مبارزاتی مردم و تغییر تناسب قوا در مناسبات مردم و رژیم شده است. ما بر اقدامات و کارهایی تاکید کردیم که دقیقاً تناسب قوا را به نفع مردم تغییر دهد و پروسه برچیدن حاکمیت جمهوری اسلامی را تسریع کند.

**سیاوش دانشور:** بر چه اقداماتی تاکید کردید؟ این مباحث چه نتایجی داشت؟

**رحمان حسین زاده:** ابتدا فوکوسهای سیاسی ایننوره را مشخص کردیم. گفتیم حزب کمونیست کارگری در کردستان به لحاظ سیاسی و عملی میتواند پرچمدار پروسه پایان دادن به حاکمیت جمهوری اسلامی و برچیدن این رژیم باشد. و گفتیم این را در مطالبات و شعارهای لازم و در پراتیک اجتماعی و حزبی لازمست معنی

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!